

### نقد شهید بهشتی به «جامعه قالبی»

# حرکت برمدار حکمت و عقلانیت

## یادداشت

### دکترجمه کیخا

استادیار اندیشه‌سیاسی  
دانشگاه شهید بهشتی

«اخلاق» با تعدیل خلق و خوی آدمی به ایجاد تعادل در وجود انسان و جامعه یاری می‌رساند. بدون اخلاق و جلوگیری از تندروی‌ها و کندروی‌ها، «عدالت» که هدف اساسی یک نظام سیاسی است، حاصل نخواهد شد. شهید بهشتی به عنوان مهم‌ترین معمار قانون اساسی به اخلاق سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی می‌داد. وی تعدیل خلقیات و اندیشه‌های انسان ایرانی را هدف آموزش‌های خود قرار داده بود و بر همین اساس بر عنصر تربیت تأکید زیادی می‌کرد. تأسیس مدرسه، تألیف کتب درسی و تشکیل حزب از جمله کارهای ایشان در این راستا بود.

\*\*\*

### هدف شهید بهشتی از تشکیل حزب

اگر مهم‌ترین عیب احزاب را بیم ناپدید کردن منافع و مصالح عمومی و توجه به منافع جناحی و گروهی و بخشی‌بدانیم که سبب مخالفت بسیاری با کار حزبی شده است، باید گفت شهید بهشتی هدف اصلی از تشکیل حزب را دور هم جمع شدن و فعالیت جمعی گروهی از مؤمنان می‌داند که با برنامه آموزشی و تربیتی منظم در حزب، مسیر تکاملی را طی می‌کنند و در این مسیر به همدیگر یاری می‌رسانند. هدف اساسی حزب، کمک به رشد جمعی افراد است نه به قدرت رسیدن و فتح مناصب و جایگاه‌های قدرت. از این رو، شهید بهشتی تا زمانی که در حزب جمهوری بود، مناصب اصلی سیاسی از سوی افرادی خارج از حزب اشغال می‌شد. با توجه به علاقه زیاد شهید بهشتی به مباحث قرآنی و اهتمام ایشان بر جلسات مکتب قرآن، می‌توان نمود بارز چنین توجهی را در آثار قرآنی ایشان جست‌وجو کرد. کوی ایشان هدف اساسی خود از تفسیر قرآن را نه فقط افزایش آگاهی قرآنی مستمعان، بلکه رفع کژی‌های موجود در اخلاق و اندیشه جامعه

بازگرداندن اعتدال بدان می‌داند. ایشان در تفسیر صراط مستقیم به نقد این تصور عمومی می‌پردازد که واژه «مستقیم» را به راحتی و آسانی معنا نموده و از تلاش و جست‌وجو برای یافتن راه درست امتناع می‌شود. عادت کرده‌ایم از کار و کوشش کم، نتایج بزرگ انتظار داشته باشیم. تیلور چنین نگاهی این است که به جای اهتمام و پیگیری و مشورت و تفکر تا دستیابی به نتیجه، به استخاره گرفتن، توسل و... بسنده می‌شود.

### اهتمام برای ایجاد «اعتدال اخلاقی»

تلاش شهید بهشتی برای ایجاد اعتدال اخلاقی و فکری در جامعه یادآور سه اندیشمند مطرح در ایران یعنی ابونصر فارابی، ملاصدرا و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. ابونصر فارابی، فیلسوف سیاسی برجسته ایرانی است که تحقق مدینه فاضله را از مسیر همیاری همه افراد جامعه در کسب فضایل اخلاقی برای رسیدن به خیر عمومی امکان‌پذیر می‌داند و نظام فکری خود را برای تحقق این هدف بنا می‌کند. این تعریف دقیقاً همان کاری است که شهید بهشتی در ایجاد جمعی از مؤمنان برای همکاری در رسیدن به سعادت و کسرتش این جمع تا رسیدن به امت فاضله انجام می‌دهد. از آن سو، سید جمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر علم‌آموزی مسلمانان و دوری از خرافات و عقب‌ماندگی فکری معتقد بود در روزگار ما جراید و نشریات، مانند حکیمی عمل می‌کنند که فضایل ملت را پرورش

می‌دهد و با تأسیس روزنامه و تأسیس انجمن‌هایی مانند انجمن وطنی مصر که به تربیت جمعی از مؤمنان اقدام نمود، دامنه تأثیرشان که به موازات افزایش سریع تعداد آنان گسترش می‌یافت، خطری برای منافع انگلستان به حساب آمد. شهید بهشتی به تبعیت از حرکت جوهری صدرایی، جامعه را در حرکت و تلاطم دائمی و انسان را جست‌وجوگری در مسیر شدن می‌دانست. هر سه این اندیشمندان تلاش می‌کردند حکمت و عقلانیت را معیار حرکت‌های اجتماعی قرار دهند و جامعه را به تعادل برسانند. بهشتی در حقیقت فیلسوف زمان‌شناس زمانه خویش است.

### نقد «انسان قالبی»

بحث مهم در اخلاق سیاسی و اجتماعی «انطاف‌پذیری» است. دست‌یابی به عدالت نیازمند انعطاف است تا جلوی ظلم گرفته شود. انعطاف، امری در میانه قانون و هرج و مرج و آزادی است. بر همین اساس، ایشان به نقد جامعه قالبی و انسان قالبی می‌پردازد. از نظری او با توجه به اینکه ما در عصر غیبت و دوران انتظار بسر می‌بریم، قادر نیستیم حکومت و جامعه‌ای کاملاً بی‌عیب و نقص ایجاد کنیم و گرچه در حد وسع‌مان تلاش می‌کنیم، اما حتماً فعالیت‌های ما همراه با خطا خواهد بود. امکان خطا با امکان آزادی ما در ارتباط است. اگر هیچ نوع امکان تخلفی وجود نداشته باشد، چگونه می‌توان از آزادی و اختیار انسان سخن گفت. «اختیار» مهم‌ترین ویژگی انسان و عامل تمایز او از دیگر موجودات است.

**آزادی در نگاه شهید بهشتی به معنای پاسداشت انسانیت انسان است**

«جامعه قالبی» به این معنا نیست که هیچ نوع قالب فکری وجود نداشته باشد. از نگاه شهید بهشتی نظام عالی آن است که پیش‌بدهد، محیط اجتماعی مساعد بسازد و امکانات در اختیار اشخاصی بگذارد اما جنبه الزام و اجبار ویکسورگاری در جامعه حاکم نباشد. او معتقد است ما باید امکان انتخاب‌گری و مخالفت را تا زمانی که به هرج و مرج و زورمداری نینجامد به شهروندان بدهیم. در اینجا آزادی در واقع پاسداشت انسانیت انسان است. این امر از ایجاد جامعه خشک و متحجر و قالبی جلوگیری خواهد کرد.



عکس: ایرنا

را بدانیم و اخلاقی عمل کنیم. برای مثال در تفسیر آیه «و اما من ثقلت موازینه» می‌نویسد معیار ارزیابی ما از افراد باید این باشد که کفه حسناتش بچرید نه اینکه در کفه سیئاتش چیزی نباشد. حال آنکه معیار ما گاه در قضایات افراد این است که اگر عیبی از او دیده باشیم بر مبنای همان عیب در مورد او قضاوت می‌کنیم. یا آینه «الحمد لله رب العالمین» یعنی ستایش مخصوص خداست و در برابر موجود دیگری نباید ستایش کرد. باید از افراد در همان حدی که هستند قدردانی کرد. فقط خداوند کمال مطلق و بی‌نیامت است. غیر او حد و مرز دارند و باید این مرزها را رعایت کرد: «بی‌حساب سخن گفتن و ستایشگرانه یاد کردن در شأن مسلمان نیست.»

رهبر یک حرکت و جماعت چنین چیزی را امر کرد. آن مستحب، مانند واجب معمولی بر همگان واجب می‌شود. چیزی مشابه آنچه امام خمینی (ره) در بحث مصلحت نظام بیان کرده‌اند. حتی در تفسیر صلات وسطی در آیه «حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی و قوموا للله قانتین» اشاره می‌کند که متناسب با شرایط رشد جامعه، جو اجتماعی و فصول سال و درجه سختی و آسانی بجا آوردن نمازهای مختلف، تفسیر نماز وسطی نیز تغییر می‌کند و تصریح می‌کند «اصلاً قرار نیست قرآن و آیات قرآن اینقدر جمود داشته باشند که فقط بر یک مورد منطبق شوند.»

### طریق تعادل در عمل اخلاقی

وی سعی می‌کند معیارهایی به ما عرضه کند که طریق تعادل

قالب‌های فکری احترام بگذارند و حرف‌شنوی بی‌چون و چرا از یک نوع رهبری و نوعی عشق و علاقه به ارزش‌های معینی که قبلاً پذیرفته شده داشته باشند تا امکان بسیج نیروهای جامعه در مواقع لازم وجود داشته باشد. تعیین حد مناسب آزادی و تبعیت از قالب فکری، وظیفه عالم اخلاق سیاسی است که باید جریان‌ات مختلف اجتماعی را رصد کند و به تعیین رفتار مناسب و تصمیم درست به شهروندان یاری رساند. بخش‌های مختلف اندیشه شهید بهشتی، یافتن این حد مناسب در امور مختلف است. وی حتی از «انعطاف در احکام» سخن می‌گوید و در جلسات قرآنی خود در دهه چهل شمسی بحث می‌کند که ممکن است در برخی مراحل از کوشش‌های اجتماعی، فعل مستحب، واجب شود و اگر

اگر جامعه به گونه‌ای عمل کند که انسان‌ها گزینه‌های مختلفی برای انتخاب‌گری نداشته باشند، این امر را در تضاد با انسانیت خود دانسته و در مقابل آن عصیان خواهند کرد. بنابراین ما باید امکان انتخاب‌گری و مخالفت را تا زمانی که به هرج و مرج و زورمداری نینجامد به شهروندان و نقص ایجاد کنیم و گرچه در حد فعالیت‌های ما همراه با خطا خواهد بود. امکان خطا با امکان آزادی ما در ارتباط است. اگر هیچ نوع امکان تخلفی وجود نداشته باشد، چگونه می‌توان از آزادی و اختیار انسان سخن گفت. «اختیار» مهم‌ترین ویژگی انسان و عامل تمایز او از دیگر موجودات است.

مردم نظر خودشان آزاد باشند و این موضوعی است که البته در اکثریت دموکراسی‌های امروز محل توجه است.

### تنبیین نگاه شهید بهشتی در باب انسان، از این جهت برای امروز و اکنون ما در جامعه ایرانی ضرورت دارد که از رهگذر آن می‌توانیم مجدداً «انسان تراز انقلاب اسلامی» را بازشناسی کرده و بر مبنای آن عمل کنیم و مسیر کنش‌هایی را که در حوزه مناسبات اجتماعی اتفاق می‌افتد، از این مسیر ببینیم. بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن باید به نوعی انسان‌ها را از منظر دیگری به تأمل در جامعه زندگی می‌کنند، اتفاق بیفتد و به نوعی به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

### مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن باید به نوعی انسان‌ها را از منظر دیگری به تأمل در جامعه زندگی می‌کنند، اتفاق بیفتد و به نوعی به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

### مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن باید به نوعی انسان‌ها را از منظر دیگری به تأمل در جامعه زندگی می‌کنند، اتفاق بیفتد و به نوعی به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن باید به نوعی انسان‌ها را از منظر دیگری به تأمل در جامعه زندگی می‌کنند، اتفاق بیفتد و به نوعی به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن، به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن باید به نوعی انسان‌ها را از منظر دیگری به تأمل در جامعه زندگی می‌کنند، اتفاق بیفتد و به نوعی به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

### لزوم «تربیت» در نگاه شهید بهشتی

در آثار شهید بهشتی مباحث تاریخی هم وجود دارد و مسیر حرکت از یک جامعه جاهلی به سمت جامعه اسلامی و مطلوب را ترسیم می‌کند و می‌کوشد تا بر اساس مبانی تحلیلی که در تاریخ اسلام وجود دارد، چون‌نگی گذر پیامبر اکرم(ص) از جامعه جاهلی آن زمان را صورت‌بندی کرده و از آن در عبور امروز جامعه از جاهلیت به سمت یک جامعه مطلوب و اسلامی بهره گیرد. شهید بهشتی در رسیدن به این جامعه مطلوب، بر مسأله «تربیت» تأکید بسیار دارد و برای آن جایگاه والایی قائل است. بعد از انقلاب، از شهید بهشتی سؤال شد که در جریان پیروزی انقلاب پیوسته بر شعار «آزادی» تأکید می‌کردید؛ اکنون که انقلاب به پیروزی رسیده، چقدر به آن آزادی مورد نظر دست یافته‌ایم؟ ایشان در پاسخ می‌گویند: «ما به آزادی نرسیدیم» و در توضیح عنوان می‌کنند که برای تحقق آزادی باید یک شرایط اقتصادی فراهم کنیم. در جریان پیروزی انقلاب، شاه به مثابه یک فرد مستبد از کشور بیرون رانده شد اما رانده شدن او تنها از میان برداشتن یکی از موانع آزادی بود. برای تحقق تامه آزادی باید از عنصر «تربیت» هم توأمان بهره بگیریم چراکه «تربیت» است که به صورت تدریجی ما را به سمت آزادی

مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن، به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن باید به نوعی انسان‌ها را از منظر دیگری به تأمل در جامعه زندگی می‌کنند، اتفاق بیفتد و به نوعی به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

### مهمترین میراث شهید بهشتی برای امروز ما

شهید بهشتی برای «مردم» در پیدایش و استمرار انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای قائل بود و پیوسته بر این مهم تأکید داشت که مردم با حمایت از رهبران انقلاب و پشتیبانی از آنان، در واقع مؤسسان و بنیانگذاران اصلی انقلاب اسلامی هستند. این نگاه به «انسان» و «مردم» موضوعی است که در امروز و اکنون جامعه نباید مورد غفلت قرار گیرد و یکی از مهم‌ترین میراث‌های او برای امروز ماست.

### اجماع همگانی در باب آزادی

انسانی که شهید بهشتی از آن حرف می‌زند و تأکیدی که بر مسأله

مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن، به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

### نسبت انسان با آزادی

شهید بهشتی، نسبت انسان با آزادی را از سه منظر مورد توجه قرار می‌دهد: نخست، از منظر «آزادی فردی» و خواسته‌های شخصی است و معتقد است که این سطح از آزادی در حدی می‌تواند پیش‌رود که با آزادی دیگران اصطکاک پیدا نکند. دوم، از منظر «آزادی اقتصادی» است، بدین معنا که به همه استعداد و ابتکارها اجازه شکوفایی داده شود و سوم «آزادی سیاسی» است و این سطح از آزادی را به خصوص در حوزه فلسفه سیاسی به کار می‌گیرد و بر بحث حکومت تأکید دارد و معتقد است که افراد باید در برپایی حکومت

### مهمترین میراث شهید بهشتی برای امروز ما

شهید بهشتی برای «مردم» در پیدایش و استمرار انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای قائل بود و پیوسته بر این مهم تأکید داشت که مردم با حمایت از رهبران انقلاب و پشتیبانی از آنان، در واقع مؤسسان و بنیانگذاران اصلی انقلاب اسلامی هستند. این نگاه به «انسان» و «مردم» موضوعی است که در امروز و اکنون جامعه نباید مورد غفلت قرار گیرد و یکی از مهم‌ترین میراث‌های او برای امروز ماست.

### اجماع همگانی در باب آزادی

انسانی که شهید بهشتی از آن حرف می‌زند و تأکیدی که بر مسأله

## «انسان تراز انقلاب اسلامی» در اندیشه شهید آیت‌الله بهشتی

# میراث ماندگار

## تحلیل

### دکتر شریف لک‌زایی

دانشیار فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

شهید آیت‌الله بهشتی «انسان» و کنش او را به گونه‌ای خاص در حوزه اجتماعی و دینی تعریف می‌کند و عمق تحلیل‌اش در این تعریف تا بدانجا است که به حق می‌توان از آن تحت عنوان «یک نظریه» حرف زد و او را در کنار اندیشمندی‌ها نشاند که در باب انسان صاحب نظریه هستند. شهید بهشتی در تداوم نظریه‌های فیلسوفان مسلمان راجع به انسان، قسار می‌گیرد. او، شاگرد علامه طباطبایی، هم‌درس شهید مطهری و «م‌نگاه» یا امام موسی صدر است.

### «انسان» در منظومه فکری شهید بهشتی

نگاهی که شهید بهشتی به انسان دارد را در سه ویژگی مهم می‌توان برجسته کرد: نخست، اجتماعی بودن که خود از آن تحت عنوان مدنی بالطبع بودن انسان یاد می‌کند. دومین عنصر، الهی بودن انسان است و معتقد است که انسان خارج از

فضای وحی و هستی‌شناسی دینی نیست. در واقع، نگاه شهید بهشتی به انسان از بعد فلسفی را می‌توان در فلسفه اسلامی و بویژه فلسفه صدرایی جست‌وجو کرد و همچنین در نگاه‌های تفسیری‌اش به قرآن می‌توان ردگیری کرد. اما در کنار دو خصیصه «اجتماعی» و «الهی» بودن، سومین و مهم‌ترین خصیصه‌ای که شهید بهشتی در باب انسان مطرح می‌کند، مسأله «آزادی» است و معتقد است که دریغ شدن آزادی از انسان موجب مسخ او می‌گردد و تأکید او بر «مسخ شدگی» تعبیر عمیق و قابل تأملی است که نباید به سادگی از آن گذر کرد.

**انقلاب اسلامی با آزادی گره خورده است**

در اندیشه شهید بهشتی، انقلاب اسلامی با آزادی و رهایی مردم گره می‌خورد. به همین دلیل هم هست که پیوسته بر نهادینه شدن و تعمیق ابعاد و اضلاع آزادی تأکید کرده و هشدار می‌دهد. شهید بهشتی در این راستا چنین تعبیری دارد: «آزادی باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه جریان پیدا کند» و مقصود او از این جریان یافتن، همان نهادی شدن است؛ بدین معنا که آزادی و آزادی‌خواهی و بسط اضلاع و ابعاد آن، به یک خواست عمومی بدل شود و مورد اجماع همگان باشد.

